



کتاب‌شناسی توصیفی - تحلیلی
اسلام و روان‌شناسی
(جلد اول)

دکتر نزار عانی

ترجمه، نقد، اضافات از
بهر روز رفیعی



پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
تابستان ۱۳۹۰

عانی، نزار، ۱۹۳۹ م. -

کتاب‌شناسی توصیفی - تحلیلی اسلام و روان‌شناسی / نزار عانی؛ ترجمه، نقد، اضافات از بهروز رفیعی. - قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۵.

ج. - (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ ۱۱۷. روان‌شناسی؛ ۱۵)

ISBN: 978-964-7788-60-1

بها: ۳۰۰۰۰ ریال

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

کتابنامه.

نمایه.

ج ۱: ۱۳۸۵. ج ۲: ۱۳۸۹. ج ۳: ۱۳۹۰، بها: ۵۳۰۰۰ ریال.

۱. روان‌شناسی اسلامی - کتاب‌شناسی. الف. رفیعی، بهروز، مترجم. ب. پژوهشگاه حوزه و

دانشگاه. ج. عنوان.

[۲۹۷ / ۴۸۵۰۱۶] ۲۹۷۴۸۵ / ۰۱۶

ع ۲ / ۹ / ۴ / ۷۲۰۴ Z

م ۸۵ - ۲۹۷۸۸

کتابخانه ملی ایران



کتاب‌شناسی توصیفی - تحلیلی اسلام و روان‌شناسی

مؤلف: دکتر نزار عانی

ترجمه، نقد، اضافات: بهروز رفیعی

ناشر: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه (شماره انتشار: ۱۱۷؛ روان‌شناسی: ۱۵)

حروفچینی و صفحه‌آرایی: اداره چاپ و انتشارات پژوهشگاه

چاپ سوم: تابستان ۱۳۹۰ (چاپ دوم: پاییز ۱۳۸۹)

تعداد: ۵۰۰ نسخه

چاپ: قم - سبحان

قیمت: ۵۳۰۰۰ تومان

کلیه حقوق برای پژوهشگاه حوزه و دانشگاه محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

قم: ابتدای شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه ☐ تلفن: ۲۱۱۱۱ - ۰۲۵۱ (انتشارات: ۲۹۰۶۰۳۰) نمابر: ۲۸۰۳۰۹۰ و ۲۹۰۹۳۱۰، ص.پ. ۳۷۱۸۵.۳۱۵۱ ☐ تهران: خ انقلاب، بین وصال و قدس، نبش کوی اُسکو ☐ تلفن: ۶۶۴۰۲۶۰۰

www.rihu.ac.ir

Email: info@rihu.ac.ir

سخن پژوهشگاه

پژوهش در علوم انسانی [به منظور شناخت، برنامه‌ریزی و ضبط و مهار پدیده‌های انسانی] در راستای سعادت واقعی بشر ضرورتی انکارناپذیر و استفاده از عقل و آموزه‌های وحیانی در کنار داده‌های تجربی و در نظر گرفتن واقعیت‌های عینی و فرهنگ و ارزش‌های اصیل جوامع، شرط اساسی پویایی، واقع‌نمایی و کارایی این‌گونه پژوهشها در هر جامعه است.

پژوهش کارآمد در جامعه ایران اسلامی در گرو شناخت واقعیت‌های جامعه از یک سو و اسلام به عنوان متقن‌ترین آموزه‌های وحیانی و اساسی‌ترین مؤلفه فرهنگ ایرانی از سوی دیگر است؛ از این رو، آگاهی دقیق و عمیق از معارف اسلامی و بهره‌گیری از آن در پژوهش، بازنگری و بومی‌سازی مبانی و مسایل علوم انسانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

توجه به این حقیقت راهبردی از سوی امام خمینی (ره) بنیان‌گذار جمهوری اسلامی، زمینه شکل‌گیری دفتر همکاری حوزه و دانشگاه را در سال ۱۳۶۱ فراهم ساخت و با راهنمایی و عنایت ایشان و همت اساتید حوزه و دانشگاه، این نهاد علمی شکل گرفت. تجربه موفق این نهاد، زمینه را برای گسترش فعالیت‌های آن فراهم آورد و با تصویب شورای گسترش آموزش عالی در سال ۱۳۷۷ «پژوهشکده حوزه و دانشگاه» تأسیس شد و در سال ۱۳۸۲ به «مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه» و سال ۱۳۸۳ به «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» ارتقا یافت.

پژوهشگاه تاکنون در ایفای رسالت سنگین خود خدمات فراوانی به جوامع علمی ارائه نموده است که از آن جمله می‌توان به تهیه، تألیف، ترجمه و انتشار ده‌ها کتاب و نشریه علمی اشاره کرد.

اثر حاضر به عنوان کتاب مرجع و راهنمای پژوهش در حوزه روان‌شناسی اسلامی برای دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمیه قابل استفاده است.

از استادان و صاحب‌نظران ارجمند تقاضا می‌شود با انتقادات و پیشنهادهای خود، این پژوهشگاه را در بالا بردن سطح علمی پژوهش‌ها و عرضه هر چه بهتر کتاب‌ها و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه دانشگاهی و علمی یاری دهند.

در پایان، پژوهشگاه لازم می‌داند از جناب آقای دکتر نزار عانی که در گردآوری منابع کتاب‌شناخت، مطالعه، تحقیق، تحلیل و تدوین کتاب به زبان عربی کوششی درخور داشته و از جناب آقای بهروز رفیعی که در ترجمه، نقد و اضافات متن دقت بلیغ و امعان نظر مبذول داشته، قدردانی و تشکر نماید.

فهرست مطالب

مقدمه مترجم	۱
پیشگفتار	۹
محیط پیدایش و بالندگی روان‌شناسی معاصر	۱۱
ماکجا و چشم به راه چه هستیم؟	۱۲
از کتاب‌شناختی که فراروی شماست	۱۵

بخش اول: اسلامی کردن روان‌شناسی و پایه‌گذاری اسلامی آن

۱. اسلام و روان‌شناسی: روش اسلام در تبیین رفتار	۱۹
۲. افق‌هایی که قرآن کریم در پژوهش‌های روان‌شناختی گشوده است	۲۵
۳. بحران روان‌شناسی معاصر	۳۱
۴. پایه‌گذاری اسلامی پژوهش‌های روان‌شناختی	۳۷
۵. پایه‌گذاری اسلامی علوم اجتماعی: نشانه‌های راه	۴۲
۶. پژوهش در روان‌شناسی: گامی فراسوی نظامی پژوهشی برای امت	۴۶
۷. حدس: از مشاهده تا شهود، پژوهشی روان‌شناختی - اسلامی	۵۱
۸. دوره نخست اسلامی کردن معرفت بشری: عملکرد تمدن اسلامی در پنج قرن آغازین خود	۵۸
۹. روان‌شناسی تربیتی در اسلام	۶۴

۶ کتاب‌شناسی توصیفی - تحلیلی اسلام و روان‌شناسی

۱۰. روان‌شناسی معاصر از دیدگاهی اسلامی..... ۷۰
۱۱. روش پایه‌گذاری اسلامی روان‌شناسی ۷۶
۱۲. عناصر اصلی روش اسلامی کردن شناخت: دیدگاهی انضمامی..... ۸۱
۱۳. گامی فراسوی انسان‌شناسی اسلامی: تعریف و دیدگاه‌ها و رویکردها..... ۸۵
۱۴. گامی فراسوی دستور کاری برای روان‌شناسان مسلمان..... ۹۰
۱۵. گامی فراسوی روان‌شناسی اسلامی..... ۹۴
۱۶. گامی فراسوی سویی اسلامی برای روان‌شناسی..... ۱۰۳
۱۷. گامی فراسوی همکاری علوم اجتماعی و علوم دینی با یکدیگر..... ۱۱۱
۱۸. مراحل رشد انسان و مسائل تربیتی آن..... ۱۱۵
۱۹. مشاوره و راهنمایی: فلسفه و آداب آن در جوامع اسلامی..... ۱۲۰
۲۰. مفاهیم اصلی روان‌شناسی در قرآن کریم و اهمیت اصطلاح..... ۱۲۴
۲۱. ویژگی‌های دانش‌اندوز از نگاه اسلام..... ۱۲۹

بخش دوم: پژوهش‌ها و تحقیقات مربوط به میراث مکتوب روان‌شناختی اسلامی

۲۲. ابوحامد غزالی و فعالیت‌های روان‌شناختی او..... ۱۳۳
۲۳. بنیان‌گذار روان‌شناسی فیزیکی (تنی) و روان‌شناسی تجربی کیست؟..... ۱۳۸
۲۴. دیدگاه‌های روان‌شناختی [ابوالحسن] ماوردی..... ۱۴۲
۲۵. روان‌شناسی در میراث اسلامی..... ۱۴۷
۲۶. روان‌شناسی در میراث مکتوب عربی اسلامی..... ۱۵۷
۲۷. شخصیت انسانی در میراث مکتوب اسلامی..... ۱۶۴
۲۸. مبانی مفاهیم روان‌شناختی در میراث مکتوب اسلامی..... ۱۷۱
۲۹. میراث روان‌شناختی دانشمندان مسلمان..... ۱۷۵

بخش سوم: مطالعات و پژوهش‌هایی در حوزه شخصیت اسلامی

۳۰. آموزش ارزش‌ها: وظیفه‌ای فراموش‌شده در نظام‌های آموزشی..... ۱۸۵
۳۱. ارزش‌های تربیتی و ایجاد شخصیت اسلامی جدید..... ۱۹۱
۳۲. انگیزش: مطالعه‌ای انتقادی همراه با طرح پیشنهادی..... ۱۹۵

۱۹۹	۳۳. اهمیت پدیده‌های فراحسی در تحقق شیوه رفتاری اسلامی
۲۰۲	۳۴. چالش‌های فراروی شکل‌گیری شخصیت اسلامی
۲۰۶	۳۵. شخصیت اسلامی
۲۱۴	۳۶. شخصیت اسلامی: پژوهشی قرآنی
۲۲۲	۳۷. شخصیت اسلامی: نمونه و تربیت
۲۲۹	۳۸. شخصیت اسلامی و موضع امروزین آن در میان نظام‌ها و عقاید
۲۳۲	۳۹. شخصیت انسان و بعد پنهان: بحران علوم انسانی در تحصیلات دانشگاهی معاصر ما
۲۳۸	۴۰. مؤلفه‌های شخصیت مسلمان یا انسان صالح
۲۴۴	۴۱. مفهوم طبیعت بشر از منظر روان‌شناسی مقایسه‌ای

بخش چهارم: مطالعات و تحقیقات صورت گرفته درباره سلامت روان از دیدگاهی اسلامی

۲۵۱	۴۲. برخی از گونه‌های اختلال وسواسی جبری و ارتباط آن با برخی از موضوعات دینی
۲۶۱	۴۳. تأثیر اسلام بر روش‌شناسی تحقیق در علوم رفتاری در زمینه سلامت
۲۶۴	۴۴. تعریف‌های سلامت روان در اسلام و روان‌شناسی
۲۷۱	۴۵. رشد سلامت روان: مسؤولیت‌های فرد در اسلام و روان‌شناسی
۲۷۹	۴۶. روان‌درمانی از نگاه ابن‌قیم جوزیه
۲۸۴	۴۷. مشاوره از دیدگاه اسلامی
۲۹۱	۴۸. مفهوم بهداشت و سلامت روان از نگاه مسکویه و غزالی

بخش پنجم: مطالعات و بررسی‌های ارزیابی رفتار دینی و مقیاس‌های اسلامی

۲۹۷	۴۹. رابطه میان رفتار دینی با فشارهای روحی در کارمندان مسلمان بخش خدمات دولتی در مالزی
۳۰۲	۵۰. مقیاس‌های ارزیابی رفتار دینی فرد مسلمان و پرسشنامه پیشنهادی برای ارزیابی
۳۰۷	پیوست‌ها
۳۳۵	منابع و مراجع مترجم
۳۴۳	نمایه‌ها

مقدمه مترجم

ای خدا از فضل تو حاجت روا
با تو یاد هیچ کس نبود روا

۱. کتاب‌شناسی، نخستین گام در هر پژوهش است تا از رهگذر آن، آثار رقم خورده در هر حوزه پژوهشی شناخته شود و معلوم افتد دیگران در آن زمینه چه کرده‌اند و چه مایه از راه سپری شده است، و چه باید کنیم و از کجا بیاغازیم تا کرده دیگران تکرار نکنیم و از آموخته‌ها و تجارب آنان محروم نمانیم.

به دیگر سخن برای سپاردن راه درست و درست راه، باید از تاریکی به روشنایی شد و نیک نگاه کرد و راه را از چاه باز شناخت، چه راهی که درست دیده نشود، درست پیموده نمی‌شود.^۱

یکی از ابزارهای درست دیدن راه پژوهش، نگریستن در کارهای دیگران و ریزکاوی در آثارشان است؛ و کتاب‌شناسی در حد خود چنین زمینه‌ای را برای پژوهشگر فراهم می‌کند.

۲. در زبان فارسی درباره اسلام و روان‌شناسی هیچ کتاب‌شناختی عرضه نشده است و با آن‌که شعله بحث اسلام و روان‌شناسی، روان‌شناسی اسلامی، اسلامی کردن روان‌شناسی گه‌گاه بالا می‌گیرد، هنوز بر پژوهندگان و علاقه‌مندان این حوزه معرفتی معلوم نیفتاده است، دیگران در این زمینه چه کرده‌اند و کار شده کدام است و کدامین کار بر زمین مانده است و اکنون چه باید کرد.

۱. برداشت از نامه ۳۱ نهج البلاغه.

از این رو ضرور می‌نمود در این باب، بابی گشوده شود و کتاب‌شناختی رقم خورد تا با عرضه پاره‌ای از تجربه‌های پیشین، هم‌کامابیش معلوم آید دیگران چه کرده‌اند و هم روشن شود اکنون چه باید کرد.^۱

باری چنین می‌نماید که در زمینه اسلام و روان‌شناسی، گونه‌ای چند کتاب‌شناسی لازم است: کتاب‌شناسی موضوعی، کتاب‌شناسی توصیفی، کتاب‌شناسی تحلیلی، کتاب‌شناسی انتقادی، کتاب‌شناسی تاریخی (بررسی میراث مکتوب روان‌شناختی)، کتاب‌شناسی تطبیقی.

۳. آن مایه که اطلاعات کتاب‌شناختی این قلم زن قد می‌دهد، کتاب‌شناختی که فراروی خواننده گرامی است، در نوع خود، نخستین اثر در زبان عربی و فارسی است.

مؤلف محترم، استاد دکتر نزار عانی - که عمرش دراز باد - در توصیف و تحلیل و نقد آثار معرفی شده در این کتاب‌شناخت، اخلاق اسلامی و آداب نقد و تحلیل را پاس داشته است و چنان رفته است که طریق دانش و داد و خوشنودی دادار اقتضا می‌کند. لکن، غمگنانه می‌گوییم، گذشته از لغزش‌های ساختاری این اثر، در مواردی پرشمار و غیر قابل اغماض، خطاهایی در متن مبدأ رخ نموده است که نمی‌دانیم پیامد سهوالقلم است یا خطای چاپی؛ هر کدام باشد، لازمه منطقی و روش‌شناختی کار، مترجم را واداشت تا برای تکمیل و پاس‌داشت سلامت و اتقان هر چه بیشتر اثر، کاری کند.

۴. باری، این خدابنده، با اقتدا به رسول معظم (ص) که فرموده است: «و لکن الله یحب عبداً اذا عمل عملاً احکمه»^۲ خداوند بنده‌ای را دوست دارد که چون کاری کند، استوار کند، و به پیروی از فرمایش امیرمؤمنان علی (ع): «افضل الاعمال ما اکرهت نفسک علیه»^۳ بهترین کارها آن است که خود را بدان واداری (در راه انجام دادن آن سختی کشی) و «الاداء هو العمل الصالح»^۴ تنها زمانی عمل شده است که نیک عمل شده است و «من عمل بالسداد ملک»^۵ هر که درست و متقن عمل کند (سعادت و پیروزی) از آن اوست، برای جبران

۱. در این کتاب‌شناسی به منابع فارسی پرداخته نشده است.

۲. امالی، شیخ صدوق، ص ۳۴۴ (به نقل از الحیاء، ج ۱، ص ۳۰۸).

۳. نهج البلاغه، (چاپ صبحی صالح)، حکمت ۲۴۹.

۴. نهج البلاغه، (چاپ صبحی صالح)، حکمت ۱۲۵.

۵. شرح خوانساری بر غررالحکم، ج ۵، ص ۱۸۸.

کاستی‌ها و نابایستی‌های ره‌یافته در کار، آهنگ استوار کرد و منابع معرفی شده در این اثر را تا توانست، گردآورد و توصیف و تحلیل و نقد استاد را با اصل اثر به دقت مقایسه کرد و مطالب را نکته به نکته و مو به مو واکاوید و لغزش‌های ره‌یافته در کار را به طرق مقتضی جبران نمود و از این رهگذر، متن مبدأ را به مقرض تهذیب بیبراست و به قلم تذهیب بیبراست تا دل‌پسند افتد. وی در فرآیند پیراست و آراست این اثر، راستی را سخت کوشید و سختی کشید و از سرمایه عمر به بازار اصلاح این اثر سودا کرد و «خار خورد و بار برد» و گاه خواب و قرارش نبود - «انی و علی العاشق هذان حرامان» - تا جسته جسته، کار به سامان آمد و رنگ و رویی دگرگرفت و کمابیش باب طبع افتاد.

از این رهگذر، متن مقصد بر متن مبدأ مزایای بسیار یافت که اگر مقبول اهل نظر افتد، خواسته مترجم رواست و غبار خستگی از تنش جدا؛ از آن‌هاست:

۱. در این کتاب شناخت نزدیک به ۶۰۰ پانویست آورده شده است که بیش از ۴۰۰ مورد آن به واقع نقدهای مترجم بر این اثر است و حتی یکی از آن‌ها زاید و از سر فضل‌فروشی و برای فروکاستن از ارزش کار مؤلف محترم نیست.

۲. در متن کتاب شناخت نزدیک به ۱۰۰۰ مورد تصرف به صورت حذف و اضافه صورت گرفته است.^۱

۳. شیوه معرفی ویژگی‌های کتاب شناختی هر اثر تغییر داده شده و به شکل زیر آورده شده است:

نخست عنوان فارسی هر اثر و ذیل آن به ترتیب: نام و نام‌خانوادگی مؤلف، نام و نام‌خانوادگی گردآورنده (در مورد کتاب‌هایی که حاوی مجموع مقالات است)، عنوان اثر به زبان اصلی، عنوان کتاب یا مجله‌ای که اثر از آن نقل شده است (در مورد مقالات اعم از آنچه در مجلات و یا کتاب‌هایی آمده است که دربردارنده شماری مقاله است)، شماره جلد، نوبت چاپ، محل نشر، ناشر، تاریخ نشر، شمار صفحه، از صفحه... تا... (در خصوص مقالات)، قطع.

۱. در سراسر کتاب آنچه در درون □ است، افزوده مترجم است.

۴. آثار معرفی شده در هر بخش براساس حروف الفبای عنوان فارسی اثر، مرتب شده است.
 ۵. معرفی هر اثر از آغاز صفحه سرگرفته شده است.
 ۶. واژگان لاتین از متن به پانوشت آورده شده است.
 ۷. معایب ساختاری کتاب شناخت زدوده شده است.
 ۸. خطاهای مؤلف کتاب شناخت و گاه صاحب اثر، اصلاح و در پانوشت بدان‌ها اشاره شده است.
 ۹. پانوشت‌های مترجم با (..م.) یا (*)، نشان داده شده است.
 ۱۰. نمایه عناوین مهم و کلیدی آمده در پایان کتاب شناخت، الفبایی شده است.
 ۱۱. نمایه‌ای چند از اثر تهیه و در پایان آن آورده شده است.
 ۱۲. آیات مشکل شده است.
 ۱۳. نشانی آیات، یافته و در پانوشت نهاده شده است.
 ۱۴. روایات مستند شده است.
 ۱۵. دو نمایه الفبایی یکی فارسی و دیگری عربی از ۵۰ اثر معرفی شده در این کتاب شناخت تهیه شده است.
 ۱۶. فهرست منابع مترجم در پایان کتاب شناخت آورده شده است.
 ۱۷. قلم این اثر به نحو مقتضی دگرگون و متنوع شده است.
۵. دکتر نزار محمد سعید صالح عانی، به سال ۱۹۳۹ در بغداد زاده شد. مراحل تحصیلات عالی وی به این شرح است:
- سال ۱۹۶۱ از دانشگاه بغداد در رشته ریاضی - فیزیک در مقطع کارشناسی، فارغ‌التحصیل شد.
 - در سال ۱۹۷۰ از همان دانشگاه در رشته تعلیم و تربیت و روان‌شناسی، دانشنامه کارشناسی ارشد گرفت.
 - در سال ۱۹۷۱ دوره دیپلم برنامه‌ریزی الکترونیکی را در دانشگاه قاهره گذراند.
 - در سال ۱۹۷۷ از دانشگاه میشیگان آمریکا در رشته روان‌شناسی تربیتی و روان‌سنجی، مدرک کارشناسی ارشد گرفت.

- در سال ۱۹۷۸ موفق شد از همان دانشگاه و در همان رشته مدرک دکترا بگیرد.
- شماری از مسؤولیت‌های علمی و اجرایی دکتر عانی:
- استادیار فیزیک و ریاضی، دانشگاه بغداد، ۱۹۸۶.
- دانشیار دانشکده علوم تربیتی دختران، بغداد، ۱۹۸۷.
- استاد دانشکده علوم تربیتی دختران، بغداد، ۱۹۸۹.
- استاد دانشگاه صنعا، یمن، ۱۹۹۳-۱۹۹۴.
- استاد دانشگاه آل‌البیت، اردن، ۱۹۹۴-۱۹۹۵.
- استاد و مدیر مرکز سنجش و ارزیابی، دانشگاه بحرین، ۱۹۹۹.
- عضو دفتر مشاوره و وزیر آموزش و پرورش، امارات متحده عربی، ۱۹۷۹-۱۹۸۰.
- دبیر کل انجمن جهانی روان‌شناسان مسلمان (LAMP)، ۱۹۹۷.
- عضو هیأت علمی ۱۲ مجله علمی
- عضویت در ۱۳ انجمن علمی ملی و جهانی
- ریاست دانشگاه شارجه

آثار علمی دکتر عانی

از ایشان نزدیک به ۸۰ مقاله پژوهشی در زمینه تعلیم و تربیت و روان‌شناسی به زبان عربی و انگلیسی، و بیش از ۱۰ کتاب در همین زمینه‌ها منتشر شده است. دکتر عانی، تاکنون بیش از ۱۰ مقیاس اندازه‌گیری در زمینه‌های تحصیلی و روان‌شناختی تهیه کرده است. وی هم‌چنین بیش از ۱۰ طرح و پیشنهاد علمی به مراکز دانشگاهی کشورهای عرب عرضه داشته است. برخی از مقالات دکتر عانی:

- الجنوح والانحراف: تحديد و تشخيص، ۱۹۹۲
- العلاقة بين الطالب و المعلم، ۱۹۹۲
- مرجعية الفكر الاسلامی و مرتكزاته للبحث عن المعرفة و تفسيرها، ۱۹۹۴
- تحليل و تقويم النتائج الامتحانية لكلية جامعة البحرين، ۱۹۹۹
- التربية العربية في غياب اطارها المرجعي: زاوية رؤى تربوية، ۲۰۰۱
- منظومة المنهج القرآني للابداع، ۲۰۰۲

شماری از کتاب‌های دکتر عانی:

- حدود الذكاء الانسانی بین العبقریة و التخلف العقلي، ۱۹۸۷

- اضواء على الشخصية الانسانية، ۱۹۸۹

- القياس و التقويم و بناء الاختبارات المدرسية، ۲۰۰۲

برخی از طرح‌ها و پیشنهادهای علمی دکتر عانی:

- سبل تطوير و تنشيط الاعلام العلمی، ۱۹۸۴

- مشروع انشاء و تنظيم مركز بحوث الباراسيكولوجية، ۱۹۸۶

- برنامج عمل مستقبلي لتأسيس مدرسة فكرية اسلامية عربية، ۱۹۹۱

- مشروع الخطة الخمسية لمركز القياس و التقويم، ۲۰۰۰

شماری از سنجه‌های روان‌شناختی دکتر عانی:

- مقياس العانی للاتجاهات العلمية، ۱۹۷۰

- مقياس العانی للروح المعنوية، ۱۹۸۸

- استبانة تقويم جودة التدريس و المقررات الجامعية، ۱۹۹۹

۶. این قلمزن، تا این ترجمه را به فرجام برد، گاه آه می‌کرد و قلم می‌گذاشت و کنار می‌نشست، اما باز بر نفس تن‌آسان، نهیب می‌زد که: چه نشسته‌ای «برخیز و عزم جزم به کار صواب کن» و مگر در ترجمه می‌توان به سادگی کار صواب کرد، خاصه اگر متن، کتاب شناخت باشد و در آن دست‌کم از پنج رشته روان‌شناسی سخن رفته باشد، چه در چنین اثری، اصطلاحات تخصصی موج می‌زند و ترجمه آن بدون استفاده از فرهنگ‌های معتبر، کاری است که زمان می‌سوزد و دماغ می‌ساید و معلوم نیست سرانجام چه بار می‌آید؛ و کو، کجاست فرهنگ روان‌شناسی عربی به فارسی که به کار آید و خود مشکل نزاید.^۱

اکنون که کار به انجام آمده است، خداوند را سپاسگزارم که خارخار مبارک سخن حضرت حق که: «كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِيْنَةٌ»^۲ هرکس در گرو کرده خویش است»، و گفته علی(ع) که: «الناس ابناء ما يحسنون»^۳ مردمان فرزندان هنر خویشند» را آن مایه که در توانم

۱. مترجم، از خدا شادی این غم به دعا خواسته است و به لطف باری مشغول تهیه چنین فرهنگی است.

۲. مدثر/۳۸.

۳. ارشاد، شیخ مفید، ص ۱۲۳ (به نقل از الحیاة، ج ۱، ص ۳۰۵).

بود پاس داشته‌ام و شرط دقت و امانت و... را فرو نگذاشته‌ام، از این رو آسوده‌ام و نمی‌گویم:

در دلم آید که گنه کرده‌ام کاین ورقی چند سیه کرده‌ام

اما از آن‌جا که ناتوانی و لغزش، همواره آدمی را رهنز است، چشم به راه لطف کریمان فضیلت‌پرور و نکته‌پردازم تا عیار این قلم به محک گیرند؛ و امیدوارم اگر پسندشان نیامد به قهر نگویند «صاحب هنر نگیرد بر بی‌هنر بهانه» و چنان‌چه نیکش یافتند، به مهر نگویند «حاجت به نگاریدن نبود رخ زیبا را» و با تکیه بر آن عیب و این هنر، مترجم را از رهنمودهای خویش محروم سازند.

باری این قلم از حضرت صادق(ع) به یاد دارد که: «خواستنی‌تر برادرم آن است که کاستی‌هایم را هدیه‌ام کند»^۱. پس پیشاپیش بر ناقد کار خویش درود می‌فرستد و آرزو می‌کند: به رویش گشایند در کامرانی و عمر دراز.

ای مبدل کرده خاکی را به زر
خاک دیگر را بکرده بوالبشر
کار تو تبدیل اعیان و عطا
کار من سهو است و نسیان و خطا
سهو و نسیان را مبدل کن به علم
من همه جهلم، مرا ده صبر و حلم

۸۵/۳/۳

سال پیامبر اعظم (ص)

بهر روز رفیعی

۱. تحف العقول عن آل الرسول (ص)، ابن شعبه حرانی، ص ۳۶۶.

پیشگفتار

ستایش، خداوند، پروردگار جهانیان راست و سلام و صلوات بر سرور پیامبران و فرستادگان و درود بر خاندان و یاران و مسلمانان پیرو او تا روز قیامت.

غایت و مبنای نظریات مطرح شده در دوران روشنگری اروپا، علم بود؛ و تجربه با به کارگیری حس، ابزاری برای کشف واقعیت محسوس به شمار می آمد.

بی تردید، در سه سده گذشته علوم طبیعی به ویژه در عرصه های: فیزیک، شیمی، زیست شناسی، زمین شناسی و مانند آن به گونه ای خیره کننده و حیرت انگیز پیشرفت کرده است. همه یا بخشی از این پیشرفت علمی و به تبع آن پیشرفت در صنعت و فناوری - روا یا ناروا - باید به اثبات گرایی مادی نسبت داده می شد؛ اثبات گرایی ای که هر چه را قابل مشاهده و آزمایش بود در زیر آن چه که چتر علم خوانده می شد درآورد و جز آن را انکار یا طرد کرد. دانشمندان فیزیک، شیمی، زیست شناسی، زمین شناسی و [دیگر علوم تجربی]، برای درآمدن در زیر چتر علم هیچ مشکلی احساس نکردند بلکه برعکس، با افتخار و خشنودی خود را بدان منسوب داشتند.

اگر از علوم طبیعی به علوم انسانی رو کنیم، کنت [را می بینیم] که تلاش کرد علوم انسانی را تحت سلطه فلسفه اثبات گرایی درآورد؛ یعنی این علوم را تابع مبانی و روش شناسی این فلسفه کند. او می گوید: «تا هنگامی که در موضوع نجوم و فیزیک به روش اثبات گرایی می اندیشیم، نمی توانیم در زمینه سیاست و دین به روشی دیگر بیندیشیم». بلکه حتی دورکیم، شاگرد کنت، مدعی بود که اندیشه هایش - که تنها دیدگاه ها و نظریاتی در جامعه شناسی بود - همان قدر یقینی است که علوم طبیعی.

برای آن که روان شناسی علم شود، دانشمندان آن باید [قوانین] مادی فیزیک را در مورد انسان پیاده می کردند و تفسیری مادی از او عرضه می داشتند تا در مقابل، مجامع علمی آن ها را به رسمیت بشناسند و از اعضای علمی خود بشمارند، [البته] مشروط بر آن که به

نیوتونیسیم اعتقاد داشته باشند و از آن دفاع کنند و بکوشند تمام رفتارهای انسان را بر پایه آن تفسیر کنند.

اما هنگامی که فیزیک نیوتونی با نظریه نسبیت و فیزیک کوانتوم متزلزل شد و در طرح‌واره نیوتونی با همه مبانی آن بازنگری شد، روان‌شناسی هم به تبع فیزیک نیوتونی با همه آموزه‌هایش، سخت تکان خورد تا این علم نیز در طرح‌واره خود یا به عبارت دقیق‌تر طرح‌واره‌هایش و نیز مبانی و فرضیات، و تفسیرهایش از انسان چونان شیء و رفتار او بازنگری کند.

از آن زمان، روان‌شناسی و تمام خانواده علوم انسانی - که این علم بدان منسوب است - دچار بحران نظری، فکری، روش‌شناختی و هنجاری شدند.

آشکار بود - چنان‌که دست‌کم اکنون برای ما روشن است - که نمی‌توان پدیده‌های طبیعی و انسانی را تابع تفسیر و معیاری یگانه کرد، چه این دو با یکدیگر فرق دارند، آن هم نه در امور فرعی و حاشیه‌ای، بلکه در: مبانی، روابط، نوع، ویژگی‌ها، روش پژوهش، یعنی:

روابط منظم در پدیده‌های طبیعی، علی و معلولی و در پدیده‌های انسانی، ارزشی است. پدیده طبیعی هنگام پژوهش بر روی آن خنثی است و در پژوهش دخالت نمی‌کند، اما در علوم انسانی، موضوع مورد پژوهش، عامل اصلی و اثرگذار بر پژوهش است.

پدیده‌های طبیعی هنگام تکرار - که فراوان هم رخ می‌دهد - با یکدیگر مشابه‌اند، ولی پدیده‌های انسانی کم‌تکرارند، و حتی در صورت تکرار، مشابه یکدیگر نیستند.

تفسیر پدیده طبیعی، تک‌بعدی، و تفسیر پدیده انسانی، چندبعدی است. عناصر تشکیل‌دهنده پدیده طبیعی مستقلند و می‌توان آن‌ها را از یکدیگر جدا کرد، اما مؤلفه‌های پدیده‌های انسانی، در هم تنیده‌اند و نمی‌توان آن‌ها را از یکدیگر گسست.

پدیده‌های طبیعی، ثبات و سکون بیشتری دارند، در حالی که در پدیده‌های انسانی، تحرک و دگرگونی بیشتر است.

پژوهش در پدیده‌های طبیعی بر اساس نمود خارجی آن‌هاست، اما پدیده‌های انسانی هم ظاهر و هم باطن آن‌ها - یکسان - تحت پژوهش درمی‌آید.

واحدهای پدیده طبیعی، کمی و قابل اندازه‌گیری است، اما واحدهای پدیده انسانی خاص و کیفی است.

به این ترتیب، در هر مرحله از مراحل بررسی هر یک از این دو نوع پدیده، می‌توان میان

آن دو چنین تفاوت‌هایی را یافت. یعنی ما، نمی‌توانیم پدیده‌های طبیعی و انسانی را با روش و زمینه‌ای یگانه، تفسیر و ارزیابی کنیم؛ چرا که لازمه تفاوت هر پدیده با پدیده دیگر آن است که در آن واحد، هم روش و هم معیارهای ارزیابی آن متفاوت باشد. به بیان دیگر، نظام پژوهشی^۱ فیزیک، غیر از نظام پژوهشی روان‌شناسی است و همان‌قدر که میان انسان و اشیا تفاوت هست، بین این دو [نظام پژوهشی] نیز تفاوت وجود دارد.

[محمد محمد] امزبان در سال ۱۹۹۱ خطایی را که روش‌شناسی علوم اجتماعی یا انسانی دچار آن شد، به ایجاز برای ما بیان کرده است: خطا، آن هنگام بود که این علوم، روش تحقیق اثبات‌گرا را برای تحقیق در پدیده‌های اجتماعی یا انسانی به کار بستند. پاره‌ای از این اشتباهات اساسی که علوم اجتماعی دچار آن‌ها شد از این قرار است: احساس را تنها منبع شناخت دانستن؛ نظام پژوهشی تجربی را قدرت [و چارچوب] داور در علوم انسانی دانستن؛ پدیده‌های اجتماعی را تحت تجربه درآوردن؛ یعنی، علوم اجتماعی را علمی تجربی دانستن؛ پدیده اجتماعی را شیء پنداشتن و بررسی آن را مانند بررسی دیگر اشیاء شمردن.

محیط پیدایش و بالندگی روان‌شناسی معاصر

به این ترتیب درمی‌یابیم که روان‌شناسی غربی یا معاصر، از مادری اثبات‌گرا زاده شد و در دامان و تحت سرپرستی خانواده‌ای اروپایی - آمریکایی پرورش یافت که نیاکانش منکر و مخالف الهیات و کلیسایی بودند که آنان را به مگاک و تیرگی قرون وسطی راند و آن‌ها فرزندان‌شان را بر اساس جدایی خدا از قیصر، یا دین از سیاست پرورش دادند.

آنان برای آن‌که سند طلاق بائن میان دانش و کلیسا را با غسل تعمید رسمیت بخشند، به تعامل با اشیاء بسنده کردند؛ یعنی با جنبه مادی و محسوسی که بتوان آن را مشاهده کرد و با آن تعامل داشت. انسان اروپایی باور وجود رابطه معکوس میان دین و تمدن را به ارث برد و در ذهن خود جای داد - آن‌چنان‌که [دکتر علی]^۲ شریعتی در کتاب بازگشت به خویش، می‌گوید - و ناگزیر این تربیت خانوادگی، فرزند جدید (روان‌شناسی) را واداشت روح و سپس عقل را منکر شود تا انسان را به چشم ابزار یا در خوش‌بینانه‌ترین حالت، حیوانی

1. Paradigm

۲. مطلب درون [] را از صفحه ۳۶ اصل کتاب افزوده‌ام - م.

بنگردد که دستخوش قوانین شرطی شدن و محرک و پاسخ است و جز حس و مشاهده، چیزی دیگر ندارد و هم و غم او، برآوردن نیازها و پاسخ دادن به غرایز خویش است، و هر گاه از نظر زیست‌شناختی، اجتماعی و روانی به آن‌ها پاسخ گوید خودش را شکوفا ساخته است. [باری] کوپرنیک با بیرون راندن انسان از مرکزیت جهان، وی را تحقیر کرد؛ داروین، انسانیت منحصر به فرد آدمی را از او گرفت و وی را با زنجیره حیوانات زبان‌نهم پیوند داد؛ آن‌گاه فروید، باقی‌مانده آگاهی، درک، اراده، نیازها و احساسات و عواطف وی را از او سلب کرد تا در میان دو عقده ادیب و الکترای محصورش کند، و مادری، به کنش جنسی با فرزند؛ [تفسیر] شود و حیا و مهربانی زن، سازوکار دفاعی او برای جبران عقده حسادت قضیب [تلقی شود] برای انسان، جز عقل که واتسون تیر خلاص به آن زد، چیزی نماند؛ و روان‌شناسان در گردهمایی سالیانه خود، باید مراقب می‌بودند در برابر او نامی از عقل نبرند تا به تیر خلاص وی گرفتار نیایند، و آن‌چنان‌که مهدی بن عبود در کتاب انسان و قوای روحی او می‌گوید: روان‌شناسی با ساخت‌گرایی، روح را از کف داد و با رفتارگرایی، عقل از دست او رفت، در نتیجه انسان صرفاً مجموعه‌ای از انگیزه‌ها، و غرائز و احساسات شد و همین‌ها آبخور رفتارهای اویند و عقل وی فرآورده مادی درجه دوم است. بنا به گفته فرانسوا پیر در کتاب پرسش‌هایی درباره روان‌شناسی انسان از نگاه اسکینر، موجودی تأثیرپذیر؛ [از محرک‌های شرطی]؛ از دیدگاه لورنتس، نقش‌پذیر [و تحت تأثیر غرائز از پیش تعیین شده] و از منظر فروید، تقسیم شده [به نهاد، خود، فراخود] است.

[در این میان]، مکتب شناخت‌گرایی ظهور کرد تا اندکی از اعتبار عقل بشر را بدو بازگرداند و مکتب انسان‌گرایی رخ نمود تا لختی از کرامتش را بدو بازگرداند و سامانه مادی او را که به دست فرویدیسم و رفتارگرایی از هم‌پاشیده بود، در انسانیتی ویژه و آزرگن سامان بخشید.

ما کجا و چشم به راه چه هستیم؟

ما روان‌شناسان مسلمان و گروه‌های روان‌شناسی در دانشگاه‌های اسلامی در کشورهای اسلامی نسبت به این زمینه نظری و جریانات متلاطم در نظام فکری یا نظام‌های فکری حاکم در روان‌شناسی در چه موقعیتی قرار داریم؟ کجاست آن انسانی که قرآن در آغاز سوره بقره، ماجرای او و آفرینش وی را آغاز کرد تا

به فرجام در آخرین سوره‌اش، ماجرای او را با و سوسه شیطان نسبت به او به پایان برد؟ کجاست آن عقلی که خداوند، انسان را به آن گرامی داشت و [به یمن آن او را] بر بسیاری از آفریدگان، برتری بی‌چون و چرا بخشید؟ کجاست آن وجدان [بیداری] که حتی در مخالفت مطلق با خود بر رفتار او ناظر است، چه [می‌داند که] خداوند هرگز از او جدا نمی‌شود و از درون و برون و ظاهر و باطن وی آگاه است.

منافع او چونان فرد کجا و منافع امت کجا؟ تا اوج ایمانش جهاد باشد و خود را با شهادت در راه خدا و منافع امتش، شکوفا سازد، نه این‌که خودسازی و خودشکوفایی او - چونان فرد - از رهگذر پاسخ به نیازهای غریزی وی، و احترام و تقدیر دیگران از او، و تأمین امنیت وی محقق شود.

انسانی که ما می‌شناسیم و درباره آن پژوهش می‌کنیم غیر از انسانی است که آن‌ها می‌شناسند و درباره‌اش تحقیق می‌کنند. اختلاف میان ما و آن‌ها، دست‌کم درباره نیمی از خلقت و ساختار انسان، یعنی روح است که از چارچوب نظری روان‌شناسی معاصر پنهان مانده است.

برای آن‌که - به قول مالک بدری - با پژوهش در انسان آن‌ها دچار تقلید کورکورانه نشویم، ناگزیر باید انسان خودمان را که همان انسان آن‌ها و آفریده بر ماهیت فطرت اوست بشناسیم، البته آنان، نیمی از این انسان را نادیده گرفتند و روح او را کنار نهادند و عقلش را پریشان ساختند.

به مثابه عکس‌العملی طبیعی، پاره‌ای از روان‌شناسان مسلمان، روان‌شناسی معاصر را مورد مذاقه قرار دادند و به بررسی مشکلات، بحران‌ها، اختلاف دیدگاه‌ها و محیط‌هایی که از دهه هفتاد سده گذشته، در آن‌ها نشو و نما یافت، پرداختند تا نهادهای فرهنگی و فکری اسلامی، این پژوهش‌ها را مبنا قرار دهند و از بحران سردرگمی و تحیر که به‌ویژه درس‌خوانده‌های ما در غرب از آن رنج می‌برند، رهایی یابیم. در رأس این نهادهای فرهنگی - فکری، مرکز جهانی اندیشه اسلامی است که طرح اسلامی کردن علوم و به‌ویژه روان‌شناسی را پی‌نهاد. این مرکز در این باره، همایش‌ها و کنگره‌های بین‌المللی، منطقه‌ای و محلی بسیاری ترتیب داد و بیشتر تحقیقات و کتاب‌های ارزشمند و مفید در این موضوع را منتشر ساخت.

ما می‌توانیم آثار روان‌شناسان مسلمان را در حوزه اسلام و روان‌شناسی، در پنج زمینه اصلی زیر دسته‌بندی کنیم:

۱- اسلامی کردن روان‌شناسی؛ منظور، پژوهش‌هایی است که هدف آن‌ها ایجاد روان‌شناسی‌ای برخاسته از چارچوب نظری اسلام یا نظام فکری مسلط اسلامی است که اثبات‌گرا یا مادی نیست.

پایه‌گذاری اسلامی روان‌شناسی به لحاظ روش‌شناختی، با اسلامی کردن روان‌شناسی تفاوت چندانی ندارد و این دو طرح بسیار با یکدیگر تداخل و این‌همانی دارند. در این‌جا مراد از پایه‌گذاری در درجه نخست تلاش برای احاله بررسی انسان به مبانی اسلامی، یعنی قرآن و سنت است تا از این رهگذر، نظام پژوهشی مطلوب در روان‌شناسی فراهم آید؛ بنابراین، این دو زمینه را نمی‌توان به کلی از یکدیگر جدا کرد، چرا که بدون پایه‌گذاری نمی‌توان طرحی نظری در انداخت. از این‌رو ممکن است خواننده، میان آن دو مرز و تفاوت آشکاری مشاهده نکند.

۲- میراث روان‌شناختی اسلامی؛ یعنی، تلاش برای تعمق و ژرف‌کاوی در آنچه دانشمندان مسلمان، اعم از: فقیهان، فیلسوفان، متکلمان و حتی شاعران و ادیبان، درباره روان‌انسان و به‌ویژه عنوان‌ها و موضوعات اصلی روان‌شناسی - خواه یکی از آن‌ها و خواه بیشتر - قلم زده‌اند.

۳- شخصیت اسلامی؛ شخصیت یکی از عنوان‌های اصلی روان‌شناسی است و از نگاه پاره‌ای از روان‌شناسان، روان‌شناسی مساوی است با شخصیت. درباره شخصیت، گذشته از روان‌پژوهان مسلمان و معاصران، جامعه‌شناسان و متخصصان علوم شرعی یا فقیهان، آثاری نگاشته‌اند.

۴- بهداشت روانی از دیدگاه اسلام یا تلاش برای پایه‌گذاری اسلامی آن، یا بررسی آن از دیدگاه دانشمندان مسلمان در میراث مکتوب روان‌شناختی اسلامی.

۵- سرانجام، معیارهای اسلامی سنجش و ارزیابی دینی رفتار، این موضوع در ساحت اسلام و روان‌شناسی هم‌چنان عرصه‌ای بکر و نیازمند پژوهش محققان است. این معیارها، پیش شرط هر قضاوت و تفسیر مطلوب است؛ و تا آنجا که نویسنده این کتاب شناخت می‌داند، در این زمینه تنها دو یا سه پژوهش تدوین یافته است.

از کتاب‌شناختی که فراوی شماس

اندیشه‌گردآوری، تلخیص و تحلیل آثار نوشته‌شده در زمینه اسلام و روان‌شناسی را مرکز جهانی اندیشه اسلامی از طریق دانشگاه اسلامی بین‌المللی مالزی و دفتر مرکز در کوالالمپور، در سال ۱۹۹۸ مطرح ساخت. اما این کار یا به لحاظ علمی هنوز کامل نشده بود یا برای اجرای آن طرحی برنامه‌ریزی شده وجود نداشت. به هر سبب، این طرح به اجرا درنیامد؛ اما مرکز اغلب پژوهش‌ها و تحقیقات و کتاب‌های علمی نگاشته شده در این موضوع را به همراه نمایه پژوهشگران و عناوین تحقیقاتشان منتشر ساخت.

در بهار ۲۰۰۳، مدیر گروه روان‌شناسی [پژوهشگاه حوزه و دانشگاه]^۱ با من تماس گرفت و از من خواست در اجرای این طرح با آنان همکاری کنم. با وجود تعهدات کاری فراوان و سنگینی فشار کارهایم، این اندیشه در ذهن من به طرحی تبدیل شد تا:

به درخواست‌کنندگان احترام بگذارم؛

تمایل شدیدم را به انجام آن برآورده سازم؛

به پژوهشگران و محققان جدید، در زمینه اسلامی کردن روان‌شناسی یاری رسانم تا آنان از آثار نگاشته شده در این موضوع آگاهی یابند و کار خود را از صفر آغاز نکنند؛

نمایی فراگیر از این تلاش‌های پراکنده عرضه کنیم تا از یک سو برداشت یا چارچوبی کلی از ساختار نظری‌ای که در زمینه اسلامی کردن روان‌شناسی جویای آنیم فراهم آید و از سوی دیگر حاصل این مطالعات و پژوهش‌ها را در یک جلد گرد آوریم.

با توکل به خدا کار را آغاز کردم، اما برای اجرای طرح، و روشی که پیشه خواهم کرد با مشکلاتی روبه‌رو شدم:

۱- از نظر اجرا: گروه روان‌شناسی [پژوهشگاه حوزه و دانشگاه]^۲، آخر ماه شعبان ۱۴۲۳ را زمان پایان این پژوهش قرار داد که بسیار اندک بود و به من اجازه نمی‌داد همه آثار مکتوب در این زمینه را که از قضا فراوان است جستجو کنم؛ زیرا از آنچه در مغرب عربی و سودان منتشر شده جز اندکی، به مشرق عربی نرسیده است، مگر مجموعه مقالات همایش‌هایی که مرکز جهانی اندیشه اسلامی منتشر کرده است، البته همین‌ها هم در دو عرصه عربی و اسلامی، توزیع گسترده‌ای نداشته است؛ از سویی این کتاب‌شناخت باید هر چه را در زمینه

۱. در متن مبدأ صفحه ۱۶ به غلط آمده است: «رئیس دائرة علم النفس فی الحوزة العلمية...» - م.

۲. در متن مبدأ صفحه ۱۷ به غلط آمده است: «دائرة علم النفس فی الحوزة العلمية» - م.

اسلامی کردن روان‌شناسی نوشته شده است پوشش می‌داد و این، با وجود تلاش‌های فراوانی که محقق در این عرصه انجام داده است، کار آسانی نبود.

۲- از نظر روشی که در این [کتاب‌شناخت] در پیش گرفته‌ام، با دو گزینه روبه‌رو بودم: یکی آن‌که این کتاب‌شناخت، تنها به ذکر عنوان تحقیق یا کتاب، نویسنده یا محقق آن، سال چاپ و احیاناً معرفی بسیار کوتاهی از آن خلاصه شود.

گزینه دوم آن بود که از [هر اثر] چکیده‌ای عرضه کنم که اولاً به پژوهش جفا نکرده باشم؛ ثانیاً نگاهی تحلیلی به محتوای آن افکنده باشم، تا برای کسانی که به همه این آثار دسترسی ندارند - و اغلب آن‌ها چنین‌اند - اطلاعاتی اجمالی و مفید نه صرفاً معرفی نابسندۀ از این آثار فراهم کرده باشم. به طوری که اگر به آثار دست نیابند یا به سبب عدم نیاز، از دایره تحقیق یا تمایلشان بیرون باشد، [این کتاب‌شناخت] بتواند مرجعی مناسب برای آن‌ها به شمار آید.

گزینه نخست خوشایند من نبود؛ زیرا نظر من این است که اختصار شدید در معرفی پژوهش، مطلب مفیدی به خواننده یا پژوهشگر کنجکاو عرضه نمی‌کند و چنان است که گویی او چیزی به دست نمی‌آورد به‌ویژه که برادران گروه روان‌شناسی [پژوهشگاه حوزه و دانشگاه]^۱ برآند تا این [کتاب‌شناخت] را به فارسی برگردانند. این کار می‌طلبد که برای خواننده فارسی‌زبان که عربی نمی‌داند، کتاب‌شناختی بر مبنای گزینه دوم عرضه شود؛ زیرا آنان به اصل عربی این آثار دسترسی ندارند و اگر هم به آن‌ها دست یابند، به زبان ایشان نیست.

باری برای اعمال روش مورد نظر در این کتاب‌شناخت، مراحل زیر را پیموده‌ام:

۱- نخست ذکر عنوان پژوهش، سپس پژوهشگر و نشانی او^۲ - اگر یافت شد - آن‌گاه تاریخ و مکان چاپ، سپس شماره صفحات و قطع کتاب، به دنبال آن، زبان پژوهش یا تحقیق (اصلی یا ترجمه شده) و بالاخره موضوع آن که بر پنج محور و در پنج بخش گرد آمده است: اسلامی کردن روان‌شناسی، پایه‌گذاری اسلامی روان‌شناسی، میراث مکتوب درباره شخصیت، بهداشت روانی، ارزیابی.^۳

۲- تحلیلی مختصر از محتوای اثر به زبان نویسنده آن. در این معرفی، تنها گوهر پژوهش

۱. در متن مبدأ صفحه ۱۸ به غلط آمده است: «دائرة علم النفس فی الحوزة العلمية» - م.

۲. نگارنده به سمت صاحب هر اثر و محل کار او اشاره کرده است نه نشانی او - م.

۳. مترجم روش معرفی کتاب‌ها را تغییر داده است. بنگرید به مقدمه مترجم، ص ۳-۴ - م.

و سرفصل‌ها و مطالب اصلی آن را گزیده‌ام و بر همین مختصر ضمن حفظ معیار بودن آن، پیوسته تعلیقه آورده‌ام.

برای تلخیص محتوا و تأکید بر اصول و گوهر پاره‌ای از این پژوهش‌ها یا کتاب‌های حجیم که شمار صفحات آن‌ها به صدها می‌رسید، و عرضه آن‌چه به کار خواننده می‌آید، تلاشی مضاعف را بر من تحمیل کرد.

۳- پس از این مراحل، کلیدواژگان هر پژوهش و کتاب را ذکر کرده‌ام.

۴- در فرجام، دیدگاه‌های خاص خود را به عنوان نظر یا دیدگاه شخصی منتقد درباره محتوای اثر یا روش آن و میزان برآورده کردن هدف یا اهداف مورد نظر نویسنده، بیان نموده‌ام.

در^۱ این جا از همه کسانی که پژوهش‌هایشان را در این کتاب شناخت تلخیص کرده و بر پاره‌ای از آن‌ها نقدهایی آورده‌ام، پوزش می‌خواهم؛ چرا که من هرگز قصد اهانت به و خرده‌گیری از کسی نداشته‌ام - خدا نکند - که این کار زیننده اخلاق و رفتار فرد مسلمان نیست. آن‌چه آورده‌ام، دیدگاه‌های همکاری متخصص در این زمینه است که نزدیک به ۴۰ سال است در دانشگاه تدریس می‌کند و تألیفات و مشارکتی - هر چند اندک - در این طرح اسلامی سترگ دارد. از خداوند می‌خواهم با نقدها و نظریات و تعلیقه‌هایم، کسی را رنجیده‌خاطر نساخته باشم. با این حال اگر چنین شده است - چنان‌که پیامبر اکرم (ص) به ما آموخته است - مسلمان باید از برادرش ۷۰ مرتبه عذرخواهی کند.

چون تلخیص نوشته‌ها و پژوهش‌های مذکور در این کتاب و تعلیق بر آن‌ها را آغاز کردم، دریافتم که از ۳۰۰ صفحه تجاوز کرده‌ام، در حالی که تنها مطالعه، بررسی و تلخیص حدود ۵۰ کتاب و پژوهش انجام یافته بود؛* از این رو کار را در همین حد متوقف ساختم تا جلد نخست این کتاب شناخت باشد. از خداوند سبحان خواهانم مرا بر تکمیل مجلد دوم و سوم این کتاب شناخت یاری دهد؛ چرا که از نزدیک به ۱۵۰ کتاب و پژوهش، تنها ۵۰ مورد را بررسی کرده‌ام.

این جانب در این کار، اثری را برنگزیده‌ام و از اثری جانبداری نکرده‌ام و آثار را به ترتیبی که به دستم می‌رسید در پی یکدیگر آورده‌ام.^۲

۱. در متن مبدأ صفحه ۱۹ آمده است: «۵» که زاید است، لذا حذف شد. - م.

* جلد نخست این کتاب شناخت شامل ۳۸ مقاله و ۱۲ کتاب است که [حجم آن‌ها] به ۶۰۷۵ صفحه می‌رسد.

۲. مترجم آثار معرفی شده در هر بخش را بر اساس حروف الفبا مرتب کرده است. - م.

برای آن‌که خواننده محترم را از دیگر کتاب‌ها و عناوین - که در جلد اول جای نگرفت - محروم نکنم، پیوستی را برای این کتاب‌شناخت آماده ساختم که دربردارنده نمایه نام آثار^۱ ذکر نشده در این کتاب‌شناخت است؛ نیز نمایه‌ای از عنوان، مکان و زمان برگزاری همایش‌های مربوط به این موضوع آوردم. خاتمه‌بخش نمایه‌ها، کلیدواژگان و بحث‌های اصلی پنجاه پژوهش و کتاب موجود در این مجلد است.

[در پایان]، اول از کسانی که اثرشان را خلاصه کردم و کوشیدم دیدگاهم را درباره آثار و نوشته‌هایشان بیان کنم، عذر می‌خواهم. خداوند به آنان برای نیت‌های پاک و اهداف عالیشان جزای خیر دهد. دوم، از کسانی که آثارشان در جلد اول نیامد پوزش می‌خواهم و از حضرت حق، کامل کردن این طرح را خواهانم. سوم از خواننده‌ای که گم شده خود را در این کتاب‌شناخت - به سبب تقصیر من یا هر علت دیگر - نیافت، پوزش می‌طلبم.

از اساتید و همکاران گرامی که در عرصه اسلام و روان‌شناسی قلم زده‌اند و نتوانستم بر تحقیق آن‌ها دست بیابم، یا از آن آگاهی نیافتم، استدعا دارم آثارشان را برای این جانب ارسال دارند تا در مجلدات بعدی این کتاب‌شناخت بیاورم.

از خدا می‌خواهم ثواب مجتهد خطاکار را به من کرامت فرماید، و اگر درست رفته‌ام، از او امید دو ثواب دارم.

وَءَاخِرُ دَعْوَاهُمْ أَنِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

نزار عانی

رمضان ۱۴۲۴

۱. منظور آثاری است که نگارنده، شناسایی و گردآوری کرده است. -م.

بخش اول

اسلامی کردن روان‌شناسی و پایه‌گذاری اسلامی آن

۱

اسلام و روان‌شناسی: روش اسلام در تبیین رفتار

محمد محمود عبدالجابر. الإسلام و علم النفس: منهج الإسلام إلى تفسير السلوك. رياض، الصفحات الذهبية، ۱۹۹۸. ۴۱۶ صفحه، وزیری.

نویسنده در آغاز پژوهش می‌خواهد که در پی مقایسه میان اسلام و روان‌شناسی برنیامده است، اما ضرورت بحث وی را وادار کرده است چنان رود که پنداری چنین کرده است. او هدف کتاب خود را معرفی روش اسلام در تبیین رفتار و بیان دیدگاه اسلام درباره روان‌شناسی، و نیز جلب توجه پژوهشگران علوم انسانی به این می‌داند که اسلام و قرآن مجید، رخت مراحل روش اثبات نشده دکارت را به بر نمی‌گیرند، چرا که هر دو از جانب خدایند و از آن چه نزد بشر است - هر اندازه خدا به او دانش ارزانی داشته باشد - رنگ نمی‌پذیرند.

کتاب در شش باب با عناوین زیر تدوین شده است: روش اسلام برای تغییر رفتار، سائق‌ها، هیجان‌ها، ویژگی‌های فعالیت (رفتار) عقلانی، تداوم و ثبات زیربنای بهداشت روان، شخصیت در اسلام. از این طرح در می‌یابیم که کتاب می‌کوشد به موضوعات یا سرفصل‌های اصلی بپردازد که در اغلب کتاب‌های روشمند مربوط به مدخل‌های روان‌شناسی یافت می‌شود؛ اگرچه آن مدخل‌ها موضوعات دیگر را نیز در بردارند.

نویسنده باب اول کتابش را با بیان دشمنی روان‌شناسی با دین و نگرش محدود روان‌شناسی به انسان آغاز و آن را با روش اسلام که نظامی فراگیر و کاربردی است مقایسه می‌کند. وی سپس رهنمودهای روش اسلام را در تبیین رفتار ذکر می‌کند تا از این رهگذر نخست^۱ به بیان مبانی معنوی رفتار انسان پردازد. وی به سه مورد اشاره می‌کند: اقرار دینی (فطرت، میثاق پیامبران و گواه بودن خداوند بر آن)؛ اخلاص (قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ. ۲ قُلْ يَتَّيَّهَا الْكُفْرُونَ)؛^۳ پیوند ایمان (قُلْ يَتَّهَلَّ الْكُتُبِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ...)^۴.

نگارنده، این سه اصل را حرف آخری می‌داند که رفتار چه فردی و چه گروهی بر اساس آن تفسیر می‌شود. او سپس به ضرورت روش اسلامی می‌پردازد، چه این روش برای تبیین رفتار انسان - هر انسانی - و نیز تفسیر رفتار اقوام و امت‌ها و ملت‌ها، برتر و شایسته‌تر است. وی بر آن است که اسلام رفتار را پی می‌نهد و رشد می‌دهد و تربیت می‌کند و هدایت می‌سازد و اصلاح می‌کند و درمان می‌کند؛ پس اسلام برای تبیین رفتار، سزاوارتر و شایسته‌تر است. مؤلف پس از این نمونه‌هایی از این تفسیر می‌آورد: نمونه رسالت اسلام، نمونه عبادات که ستون آن نماز است، نمونه زندگی زناشویی که رابطه‌ای مقدس و موجب صلح و صفا و رحمت و گسترش نوع بشر است، نمونه ساختار پیشرفته روح در حرام ساختن شراب، نمونه خصوصیات روانی دینی که لازمه زندگی است (صبر).

نگارنده، روش اسلام به مثابه برترین قواعد رفتار بهنجار را از آیاتی برگرفته است که با «يَتَّيَّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا» آغاز می‌شوند و درباره موضوعات زیر است: آداب رابطه با خداوند، ایجاد اعتقادات دینی، واجبات و احکام تعبدی، معاملات اقتصادی و شرعی، اخلاق و آداب سلوک فردی و اجتماعی، حلال و حرام و پاداش و مجازات.

نگارنده، سپس به سائق‌ها که از ویژگی‌های رفتار است از دیدگاه اسلام و روان‌شناسی می‌پردازد. وی نخست رویکرد روان‌شناختی معاصر به این مقوله را بررسی می‌کند تا معنای سائق و خاستگاه‌های آن (نیرو و فعالیت، تمایلات، اعتدال، جبرگرایی دینامیکی)، سلسله‌مراتب هرمی نیازها (طرح مازلو) و سرانجام گونه‌های سائق را بیان کند که عبارتند از: سائق فطری نخستین، سائق اکتسابی ثانوی، سائق ناخودآگاه. وی سپس به شرح سائق‌ها از دیدگاه روان‌شناسی معاصر، می‌پردازد.

۱. در متن مبدأ صفحه ۱۱۷ آمده است: «لِيتَكَلَّمُوا»، اما از ثانیاً هرگز یاد نشده است. -م.

۲. اخلاص / ۱ - م.

۳. اخلاص / ۱ - م.

۴. آل عمران / ۶۴ - م.

نویسنده سپس سائق‌های فطری نخستین را در اسلام نام می‌برد: سائق‌های حفظ خود که دارای ارزش‌های فطری است (ستر عورت، پنهان کردن شرم‌گاه، پا کداملنی)؛ سائق‌های حفظ نوع (تولید و تکثیر نسل، حس پدر و مادر بودن).

نگارنده، سائقه‌های روانی و معنوی اکتسابی در اسلام را چنین برمی‌شمارد: مالکیت، همکاری (رقابت و مسابقه) در خیرات، کارزار کردن (مؤلف دو مقوله تجاوز در روان‌شناسی و جهاد در اسلام را به تفصیل با یکدیگر) مقایسه می‌کند و جهاد را [لازمه] دفاع از خود و کمک به درماندگان می‌داند.

نگارنده پس از سائق‌ها به هیجان می‌پردازد تا همان مقایسه بحث سائق‌ها را انجام دهد، یعنی طرح دیدگاه روان‌شناسی معاصر و دیدگاه اسلام در مورد هیجان. وی پس از تعریف هیجان از دیدگاه روان‌شناسی معاصر، به رابطه سائق‌های با هیجان، می‌پردازد تا معلوم دارد که هیجان، گاه چونان محرک و برانگیزنده رفتار، یا مهارکننده و اصلاح‌کننده آن و یا ایجاد واحد روانی یگانه از [ترکیب] دو [رفتار هیجانی] است.

نگارنده، سپس به توصیف هیجان‌ات روانی که در قرآن کریم آمده است می‌پردازد: هیجان‌ات سببی و کفری (کبر، نفاق، ریا، نفرت، پشیمانی، شرمندگی، کفر، ناسپاسی)؛ هیجان‌ات موضعی (مواضع آدم و همسرش، نوح، ابراهیم، زکریا، ایوب، داوود، سلیمان، یونس، یعقوب، یوسف، موسی، زن فرعون، مریم)؛ هیجان‌ات دینی مثبت (شادی دینی، شکر خداوند، اندوه و دلسوزی برای خود، آزر، بیم و هراس از قیامت و حسابرسی آن).

نگارنده، سپس به دیدگاه اسلام نسبت به نمونه‌هایی از هیجان‌ات رایج می‌پردازد: دنیادوستی، بیم، اندوه، حسد، خشم. آن‌گاه از هیجان‌ات متعالی در اسلام نام می‌برد: همه هیجان‌ات تعبد (توبه از گناه، بازگشت به درگاه خدا، تواضع و خشوع در برابر پروردگار)؛ دوستی خداوند متعال (هدایت یافتن با دوستی خدا، رهنمون یافتن با دوستی پیامبر(ص))، سرمشق قرار دادن رسول خدا(ص)، مقایسه میان دوستی خدا و آنچه خدا دوست دارد، دنیا دوستی).

نگارنده پس از این به ویژگی‌های فعالیت‌ها و رفتارهای عقلی می‌پردازد تا بار دیگر به بازشناخت آن‌ها از نگاه اسلام و روان‌شناسی معاصر اشاره کند. وی از فعالیت‌های ادراک، تفکر، حفظ کردن، یادآوردن، غفلت و فراموشی و مفهوم علمی و عملی آن‌ها در روان‌شناسی و قرآن کریم یاد می‌کند.

نگارنده، سپس بهداشت روان را مطرح می‌کند و آن را در باب پنجم کتاب و در سه فصل می‌آورد: معانی و مفاهیم بهداشت روان در روان‌شناسی و اسلام، عوامل اختلال در رفتار از نگاه روان‌شناسی و درمان اسلامی آن‌ها، سازوکارهای دفاع روانی و تهذیب آن‌ها در اسلام. وی پس از این به بررسی مفهوم بهداشت روان می‌پردازد و مفهوم بهداشت روان در روان‌شناسی را نقد و تحلیل می‌کند تا سپس از مفهوم بهداشت روان در اسلام و برجسته‌ترین نشانه‌های آن بگوید. وی در ادامه به بیماری‌های روانی و درمان اسلامی آن می‌پردازد و چهار بیماری را به عنوان نمونه بر می‌گزیند: اضطراب، محرومیت، ناکامی، تعارض روانی.

نگارنده در ادامه به سازوکارهای دفاع روانی (نیرنگ‌های عقلی) می‌پردازد و راهکارهای اسلام برای اصلاح و پیرایش آن‌ها را بیان می‌کند. این سازوکارها عبارتند از: فرافکنی، واپس‌روی، جبران، دلیل‌تراشی، سرکوب، تناسخ، بازداری. نگارنده می‌کوشد این سازوکارها را با روش‌های زیر اصلاح کند: جهاد با نفس، خودداری از آزار، دوری از فریب و نیرنگ، واگذاری امور به خدا، راستی، فرو بردن خشم با نیکی کردن، نمونه و سرمشق شایسته، یاد پیوسته خداوند.

نویسنده در باب پایانی کتاب، به مقولهٔ ایجاد شخصیت در اسلام می‌پردازد. وی نخست، نظریات شخصیت در روان‌شناسی را بیان می‌کند و به تفصیل به توضیح و نقد آن‌ها می‌پردازد. سپس جایگزین اسلامی برای بنای شخصیت را ذکر می‌کند. در این راستا نخست از فطرت الهی، آفریدگان، وراثت و آفرینش انسان از عدم می‌گوید، سپس مراحل و دوره‌های آفرینش انسان، دمیده شدن روح و آفرینش زن و مرد، آغاز آفرینش در فطرت بشری و سپس مراحل رشد انسان از آغاز تا پایان را بیان می‌کند.

آن‌گاه محیط و تأثیر آن در شکل‌گیری شخصیت را ذکر می‌کند و مشخصات ساختار اجتماعی و انسانی را در پشت سر هم بودن نسل‌ها، آشنا شدن مردم با یکدیگر، همگرایی میان مردم بررسی می‌کند و به عوامل عام در ساختار اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، می‌پردازد.

آن‌گاه، از ساختار جهان مادی و تسخیر آن برای، به جا آوردن عبادت، تعلیم و تعلم، کسب رزق و روزی، امتحان و آزمون، انفاق یاد می‌کند؛ سپس به ساختار روانی درونی شخصیت (وحدت نفس، سائق‌ها، کارها و حالات آن) بر اساس سه محور: اصل خلق و خو،